

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

بررسی، نقد و سیر شعر معاصر کودک و نوجوان در ایران

(ص ۲۴۶-۲۲۵)

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران (نویسنده مسئول)^۱، حسین بردخونی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده

تولید شعری متناسب با درک و نیاز کودک و نوجوان آگاه امروزی، کاری بس دشوار است. شعر کودک و نوجوان، از گونه شعرهای مفهومی و مخاطب مدار است که دایره شمول مفاهیم و مضامین آن به پهنای زندگی و تخیل تمام کودکان و نوجوانان است. از مهمترین ویژگیهای این نوع ادبیات، عاطفه، تخیل، حس کنجکاوی، موسیقی و شادی است. شاعران زیادی بعد از مشروطه و در طی این قرن تلاش کرده‌اند و بر رونق آن افزوده‌اند. ولی هنوز بین آثار موجود و آنچه باید باشد، شکافی ملموس به چشم می‌خورد. شاعر کودکانه نباید کودک را در جهان پیرامون او ببیند بلکه میبایست جهان پیرامون و هرچه در او هست، از زاویه چشم کودک اندیشمند امروزی نگریسته شود و به او کمک کند تا جهانی پر از صلح و دوستی را بنا نهد.

در این میان با توجه به درک محدود کودک و نوجوان نمیتوان از آرایه‌های لفظی و معنوی استفاده نمود، لازم است که شاعران معیارهای خاص دیگر را رعایت کنند تا آثارشان مقبول طبع واقع گردد. در این مقاله سعی شده این معیارها هرچه کاملتر عنوان شوند و سپس به تحلیل و نقد برخی آثار موجود پرداخته شود.

کلمات کلیدی: شعر کودک و نوجوان، شعر مفهومی، معیارشعر، مضمون.

^۱ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور Asieh.zabihnia@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد ادبیات فارسی پیام نور

۱. تعریف مسأله

شعر گفتن برای کودکان بر خلاف نظر اکثر دست‌اندرکاران این رشته، از امور سهل و ممتنع نیست؛ بلکه کاری بس دشوار است زیرا در شعر کودک محدودیتهای واژگان، موضوع، وزن و فضا سازی دست شاعر را میبندد. ذهن کودک به نسبت بزرگسالان از نظر دایره واژگان محدود است و موضوع عشق و عرفان که عمده موضوع شعر بزرگسال است برای کودک معنا و مفهومی ندارد. وزن شعرها بیشتر وزن نو یا از پایه های کوتاه عروض کهن است. فضای شعر شاد و ریتمیک است و در مباحثی مثل جنگ و مرثیه هم باید چشمه امیدی در شعر وجود داشته باشد که فضای سنگین و غمگین بر شعر حاکم نباشد. قالب عمده شعر کودک چهار پاره، مثنوی، غزل و شعر نو است. شاعر علاوه بر اینکه به حظ و سرگرمی و لذت کودک توجه میکند باید بجای مادر، پدر، آموزگار و... به رشد و پرورش کودک و آموزش او نیز بپردازد.

شاعر شعر کودک و نوجوان، همیشه با دو چالش رو بروست؛ نخست سرودن شعری که متناسب با دنیای کودکی باشد یعنی همه یا اکثر معیارهای هنجار یافته برای این گروه سنی خاص را رعایت کند و دوم باید شعرش از نظر مربی کودک یا والدین کودک مورد اقبال قرار گیرد و اگر راه برون رفت از چالش دوم را پیدا نکند، کتابش خریداری نمیشود و شعرش، هیچگاه به گوش کودک نمیرسد.

به هر کودکی دقت کنید سه ویژگی در او بصورت بارز دیده میشود: اول اینکه کاملاً دارای «عاطفه» و احساس است. دیگر این که قدرت «تخیل» زیادی دارد و در دنیای خیال زندگی میکند و سوم آنکه بسیاری از حرفها و حرکات او از «وزن» و آهنگی خاص برخوردارست. این سه ویژگی، کم و بیش در شعر هم باید وجود داشته باشد تا مقبول طبع واقع گردد. اشتراک این سه ویژگی، میان شعر و کودک باعث میشود که کودکان، شعر را بیشتر دوست داشته باشند. با شعر زندگی کنند با شعر بیدار شوند، بخوابند و بازی کنند. از این رو شعر در ادبیات کودکان جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است؛ پیوندهای آوایی در درون خود، از بازی، موسیقی و جادوی کلام و نهایتاً از عنصر خیال انگیزی بهره میگیرد و چندان به پیوندهای معنایی و بکارگیری صناعات شعری نیاز ندارد. (پیوندهای آوایی و شعریمینی شریف، ص ۱۱۲) در شعر کودکان و نوجوانان، موسیقی کاربرد بیشتری نسبت به عناصر دیگر دارد. پس از آن خیال انگیزی و در واقع رابطه های معنایی است که کم باید اهمیت پیدا کند.

۱.۱. پیشینه تحقیق

برخی از آثار منتشر شده در این زمینه عبارتند از:

- جلولی، شمسی (۱۳۹۲) بررسی شعر کودک به لحاظ میزان توجه به مفاهیم تربیتی و اجتماعی در دهه ۷۰-۸۰، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

-زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۸) «بررسی محتوای شعر کودک در دهه هفتاد» (گروه‌های سنی الف، ب و ج)، نشریه تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی، صص: ۱۷۹-۱۹۴.
-علی پور، منوچهر (۱۳۸۹)، نقد و بررسی شعر کودک، تهران: تیرگان.

۲. معیار های فنی شعر کودک و نوجوان :

معیارهای فنی لازم برای شعر کودک و نوجوان به شش دسته تقسیم میشوند که هر یک نیز دارای مختصات، ویژگیها و شرایطی هستند برخی از اهم آنها عبارتند از:

۲. ۱. معیار شعر کودک از نظر هدف:

- شعر باید اندیشه ساز و تخیل برانگیز باشد و بتواند افق ذهنی و احساسی کودکان را وسعت بدهد.
- هم سرگرم کننده و هم حاوی نکات آموزنده و مثبت باشد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۶۸)
- دارای پیام و محتوای آموزشی باشد؛ یعنی به مراحل رشد کودک کمک کند اما بیان آن ظریف، هنرمندانه و کاملاً غیر مستقیم باشد.

- زنده کردن مهمترین و اساسی ترین حس غریزی انسان در کودک و نوجوان یعنی «خداجویی». (مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۴۰)

- در مورد کودکان سنین پایینتر، زبان را آموزش دهد و دایره واژگان را گسترش دهد.
- به کنجکاوی کودک و نیاز او به شناخت از خود و طبیعت، پاسخ گوید. (ادبیات کودک محور، ص ۱۱۷)

- اندامهای حسی کودکان را جهت کشف جهان پیرامون، بکارگیرد.
- گرایشهای محلی را اصلاح کند و کودک را با زبان معیار آشنا سازد.
- جریان رسمی زبان آموزی را حمایت و تقویت نماید و زبان را بر پیام ترجیح دهد.
- ایجاد احترام به اصالت انسانی را در نظر بگیرد. (ادبیات کودک و نوجوان، ص ۲۲)
- راههای رو برو شدن با امور و مسائل گوناگون زندگی را آموزش دهد.
- راههای ارتباط برقرار کردن، هم راهی و هم کاری با همسالان و بزرگسالان و حس مسئولیت- پذیری را نشان دهد.

- مفاهیم، ارزشها و رفتارهای اخلاقی را به کودک و نوجوان بیاموزد و حاوی نکات آموزنده و مثبت باشد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۶۸)

- نفی خشونت از طریق نداشتن رفتاری خشونت آمیز نسبت به انسانها و موجودات دیگر.
- علاقه مند کردن کودک و نوجوان به مطالعه بیشتر و ایجاد عادت به آن. (مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۴۱)

- پرورش و گسترش توانایی تعبیر و بیان گفتاری و نوشتاری و ذوق هنری.

- رهبری، تقویت و تربیت نیروی اندیشه به وسیله خواندن و گفتن داستانهای مختلف.
- تربیت شخصیت کودک در اثر ایجاد اعتماد به نفس و استقلال شخصی. (ادبیات کودکان، ص ۳۱)

۲. ۲. معیار شعر کودک از نظر مضمون و درونمایه:

- موضوع شعر، باید قابل درک باشد و مربوط به جهان و محیط پیرامون کودک باشد.
- موضوع شعر باید متأثر از خصوصیات سنی شنوندگان، علاقمندی آنها، نیازمندیهای روانی و تجربیات قبلی کودکان باشد.
- تا حدودی از شعر عامیانه و فرهنگ ملی تأثیر پذیرفته باشد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۶۸)
- طرح چندین مفهوم و موضوع در یک شعر، باعث کمرنگ شدن مفاهیم دیگر و کاهش عمق تأثیر پیام اصلی میشود، پس باید از تغییر ناگهانی در موضوع و پراکنده گویی پرهیز نمود. همچنین کل شعر باید یکپارچه و بدون شکاف معنایی باشد.
- مفاهیم و موضوعات باید واقع بینانه و از دریچه نگاه کودک دیده شوند.
- شعر باید هدفش مشخص و معین باشد و مفاهیم باید ساده، روان و زیبا عرضه شود تا زبان و بیان آن برای گروه سنی هدف، قابل فهم و درک باشد. (همانجا)
- شعر کوتاه، اگر به شیوه داستانی و منظوم با ظرفیت عاطفی و ذهنی کودک همخوان باشد، اثربختر است.
- گاه میتوان در تحمیل پیام از ملایمات متضاد با آن نیز استفاده نمود.

۲. ۳. معیار شعر کودک از نظر وزن، قافیه و موسیقی:

- مهمترین ویژگی شعر کودک و نوجوان، آهنگین و آمیخته به موسیقی بودن آن است (ادبیات کودک و نوجوان، ص ۱۴۸) تا به نیاز فطری کودک و نوجوان به موسیقی و آهنگ، پاسخ گوید.
- باید ریتم درونی و بیرونی داشته باشد (همانجا) و مصرعها با موضوع هماهنگ باشد و وزن و آهنگ روان و فاقد ایست و سکنه باشد.
- هرچه قافیه شعر کودکان غنیتر باشد بهتر است، یعنی هرچه هماهنگی لفظی کلمات دو مصراع یک بیت شعر، به آخرین هجای آخرین کلمات هر مصراع خلاصه نشود و هماهنگیهای دیگری نیز در میان کلمات مصراعها وجود داشته باشد قافیه غنیتر است و برای بچه‌ها مناسبتر.
- همه‌گونه رابطه‌های آوایی کلام، از نوع وزن عروضی و هجایی، قافیه، ردیف، تکریر و واج آرایی و... موسیقی شعر را بوجود می‌آورد. هرچه گروه سنی مخاطب پایینتر باشد کاربرد این عنصر باید پر رنگتر بشود.

- طول مصرعهای اشعار کودکان و نوجوانان باید کوتاه و متناسب باشد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۶۸) وزنه‌های کوتاه و خوش‌آهنگ با دنیای کودک متناسب‌ترند. شعر کودک و نوجوان باید کوتاه و قابل حفظ کردن باشد.

۲. ۴. معیار شعرا از نظر صنایع ادبی

- توصیفات طولانی در شعر کودکان جایز نیست، زیرا مانعی بزرگ برای لذت بردن از شعر است.
- کودک هر چه کوچکتر باشد باید صنایع شعری در اشعار او کمتر و ساده‌تر باشد. آراستن شعر کودک و نوجوان به تمام صنایع لفظی و معنوی شعر بزرگسالان ضروری نیست.
- شعر کودکان نباید دارای تشبیهات پیچیده باشد، زیرا از توان و ظرفیت فکری کودکان دور خواهد ماند. تشبیه‌ها عموماً باید حسی به حسی باشند یعنی ذهنی نباشند.
- شعر باید، ضمن رعایت خیال انگیزی، به دور از تعقید لفظی و معنوی و آرایه‌های سنگین ادبی باشد. (همانجا) بهتر است از ترکیبها (از هر نوع آن) پرهیز شود.
- در شعر کودک و نوجوان، جنبه‌های هنری نباید بر جنبه‌های تکنیکی و فنی غلبه یابد. باید توجه کرد، شعر روان و ساده گفتن با آسان گرفتن این هنر، تفاوت دارد.
- شخصیت پردازی با کمک حیوانات، پرندگان و پدیده‌های طبیعی بر جذابیت شعر میافزاید.

۲. ۵. معیارهای عاطفی شعر کودک

- شعر کودک باید بیانگر احساس کودک باشد و هم احساس برانگیز باشد بطوریکه عواطف و احساسات را تلطیف کند و جهت دهد.
- برای ایجاد احساس و عاطفه، باید از دنیای بچه‌ها و از چیزهایی که آنان هر روز با آن سر و کار دارند، سخن بگوییم؛ یعنی از محسوسات و ملموساتشان.
- در شعر کودک، کراکترها باید مطلقاً باشند؛ مطلقاً یا «خوب» یا «بد». زیرا ذهن کودک تنها توان بازشناسی دو قطب خوب و بد را دارد.
- ایجاد و تقویت تفکر صلح جهانی از طریق تمرین کردن عشق و محبت ورزیدن به انسانها. (مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۴۱)
- شعر کودک و نوجوان، باید سرگرم کننده و لذت بخش باشد. (ادبیات کودک و نوجوان، ص ۲۲)
- محبت ورزیدن به هم‌نوع و برقراری ارتباط سالم با آنها را آموزش دهد.
- شوق انگیز و احساس برانگیز باشد و کودک را به حرکت و جست و خیز وادارد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، ص ۶۸)

۱. ۶. معیارهای شعر کودک از نظر ساختار واژگان:

- کاربرد کلمه‌ها باید برگرفته از واژگان خود کودکان باشد و در معنی کلمه‌ها باید از طرح مفاهیم انتزاعی خودداری شود.
- هماهنگی و پیوستگی محور عمودی و افقی با هم رعایت شود، بطوریکه همه اجزای شعر با هم، ساختمان واحدی را بوجود آورند؛ شعری که دارای ساختار منسجم باشد نمیتوان به آن چیزی اضافه و یا از آن کم کرد.
- در شعر کودک، ساختار نحوی طبیعی کلام باید مراعات شود؛ همچنین زبان شکسته و محاوره، مناسب آموزش، بویژه در سالهای آغازین آموزش نیست. شعر کودک، ابزاری است که آموزش و یادگیری زبان ملی را تسهیل میکند. (ادبیات کودکان، ص ۳۱)
- شعر کودک و نوجوان از دسته «شعرهای مفهومی» است؛ در یک عبارت ساده شعر مفهومی را میتوان چنین تعریف کرد: شعر مفهومی، شعری است معنا بنیاد که بر طبق معنا و مفهوم خود شکل و وزن میگیرد، و در قالب متناسب با زمان و مکان خود سروده میشود. بنابراین، به مؤلفه‌های شعر کودک و نوجوان، باید شعر مفهومی را نیز افزود. مؤلفه‌های اصلی شعر مفهومی بشرح زیر است: محوریت معنا و مفهوم در شعر/ دوری از تجمل زبانی و فخامت کلامی/ نزدیکی به زبان گفتار و طبیعت صمیمی زبان/ حرکت از ذهنیت به سمت عینیت/ پیوند با مردم، زندگی و اجتماع/ مخاطب‌اندیشی.

۲. انواع شعر کودک بر اساس محتوا

امروزه گستره مضامین بکار رفته در این عرصه، رو به فزونی است. چراکه حیطه شناخت، تجربه و جهان پیرامون کودک توسعه یافته است. مهمترین موضوعات شعر کودک و نوجوان شامل: مسائل اخلاقی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، پایداری و جنگ، انسانیت، صلح، خدا جویی، آزادی، دوستی، جوانمردی، مولفه‌های مذهبی، سیاسی و عاطفی است؛ که بطور عمده در سه گروه دسته بندی میشوند:

۱- مسائل دینی ۲- مسائل سیاسی - اجتماعی ۳- مسائل عاطفی

بر همین اساس، انواع شعرهایی که بوجود آمده به شرح زیر است:

شعر آموزش علمی/ آموزش اخلاقی و تربیتی/ آموزش اجتماعی و روابط خانوادگی/ سروده‌های دینی - مذهبی/ لالایی‌ها/ سرگرمی و طنز/ شعر داستانی/ سروده‌های مهمل و بی معنی/ سروده‌های احساسی و عاطفی/ سروده‌های ملی - میهنی/ سروده‌های در مورد طبیعت/ چیستانها و...
اکنون که معیارها، ویژگی‌ها و مضمون‌های ادبیات کودک و نوجوان بیان شد، برخی از آثار منتشر شده در این حوزه بررسی و نقد خواهند شد:

۳. ۱. تجزیه، تحلیل و نقد اشعار دینی و مذهبی کودک و نوجوان

الف- نقد شعر کودک در بابِ خداشناسی، جهان‌شناسی و..

شعر زیر از جعفر ابراهیمی که در آموزش خداشناسی و اینکه خداوند از وهم و خیال برتر است و هرچه تلاش کنیم باز هم نمیتوانیم به کنه معرفت او دست پیدا کنیم، سروده شده است:

چه حکمتی است در ابر/ چه حکمتی است در باد/ که هر دو را خداوند/ برای ما فرستاد/ چه راز سر به مهریست/ میان کوه و دریا/ که فکر کشف آنها/ کلافه کرده ما را/ جهان هنوز جز روز/ به شب نیاز دارد/ زمین هنوز در خود/ هزار راز دارد/ برای کشف آنها/ در ابتدای راهیم/ هزار سال مانده/ که ما به خود بیاییم/ (به خاطر پرنده ها، ص ۵)

در شعر فوق، کودک با چند سؤال فلسفی رو برو میشود: راز سر به مهر چه رازی است؟ چرا جهان به شب و روز نیاز دارد؟ کودک بیچاره برای کشف این جهان ناامیدانه باید هزار سال جستجو کند. در مصرع « برای کشف آنها» قواعد عروضی رعایت نشده و سخته ایجاد شده است اگرچه وزن انتخاب شده برای این شعر متناسب با ذهن و کنجکاوای کودک است.

در ابیات زیر نیز از همین شاعر آمده است:

هر چیز این دنیای زیبا/ شعر خداوند بزرگ است/ شعری که هر مصراع و بیتش/ مانند یک پند بزرگ است/ شعر خدا را میتوان خواند/ در رعد و برق و برف و باران/ در آسمان صاف و آبی/ در آب پاک چشمه ساران/ شعر خدا را میتوان خواند/ در آب و خاک و باد و آتش/ هنگام شب در چهره ماه/ با آفتاب گرم و دلکش/ شعر کتاب آفرینش/ زیباترین شعر جهان است/ شعری که خوش آهنگ و زیباست/ شعری که موزون و روان است. (سیب و پرنده، ص ۸)

در شعر بالا، کودک از چه سنی معنی بیت و مصرع را یاد میگیرد؟! حتی برخی دانش آموزان پایه اول دبیرستان با این مفاهیم مشکل دارند. همچنین استفاده از نمادهایی مانند آب و آتش و باد و خاک، چون تاثیری بر حیطه شناخت و دانش کودک ندارد و با جهان او ارتباط منطقی برقرار نمیکند، کارکرد اصلی خود را از دست میدهد. اما وزن این شعر مناسب است و کشش هجای آخر قافیه ها بر آهنگ شعر افزوده است.

شعر زیر از رهنما یاد آور تسبیح خداوند توسط همه موجودات است هر کدام به شیوه خاص خود:

سلام بید، سبز است/ سلام رود، آبی ست/ سلام گرم خورشید/ بلند و آفتاب‌بست/ سلام ابر، خیس است/ سلام ماه، روشن/ سلام چشمه، شادبست/ شبیه خنده من/ سلام مرغ حق، حق/ سلام باد، هو/ هو/ سلام غنچه مخفیست/ میان خنده او/ خدای روشنیها! خدای مهر و لبخند! همه از دور و نزدیک/ سلام میفرستند. (و خدایی که در این نزدیکی است، ص ۷)

در شعر فوق، کودک راز پیام نهفته این شعر را بدرستی در نمییابد و بین سلام و تسبیح موجودات ارتباطی منطقی نمیبیند. بعنوان مثال اگر سلام خورشید گرم و صمیمی باشد پس سلام برف سرد و انزجار برانگیز خواهد بود.

در ابیات زیر، چقدر زیبا مادر به کودکش که در مورد مکان خدا سؤال میکند پاسخ میدهد: او همه جا هست مخصوصاً در دل پاک تو که باید جایگاه مهر ورزی به دیگران باشد و از این طریق درس خدا شناسی را آموزش میدهد در اینگونه اشعار به ابعاد عملی ایمان به خداوند اشاره شده و از سطحی نگری بنوعی تعمق رسیده است. بنظر میرسد وزنهایی که قدری دارای کشش هستند، فرصتی را برای تفکر و تعمق در اختیار کودک قرار میدهند:

به مادر گفتم آخر این خدا کیست؟/ که هم در خانه ما هست و هم نیست؟/ تو گفتی مهربانتر از خدا نیست/ دمی از بندگان خود جدا نیست/ چرا هرگز نمیآید به خوابم؟/ چرا هرگز نمیگوید جوابم؟/ نماز صبحگاهت را شنیدم/ تو را دیدم خدایت را ندیدم/ به من آهسته مادر گفت: فرزند!/ خدا را در دل خود جوی یک چند/ خدا در بوی و رنگ گل نهان است/ بهار و باغ و گل از او نشان است/ خدا در پاکی و نیکی است فرزند/ و هم در روشناییها خداوند/ بهر کاری دل خود با خدا دار/ دل کس را ز بیمهری میازار. (برقایق ابرها، ۱۰)

در شعر زیر که در تمجید «صفحه نیایش مجله» است شاعر تلاش دارد تا با کلمات و اصطلاحات زندگی امروزی آن را برای کودک برجسته سازد:

قلبهای ما مجله است/ سردبیر خوب آن تویی/ صاحب امتیاز نشر آن/ تا همیشه زمان تویی/ حرفهای تو صمیمیند/ دلپذیر و خوب و خواندنی/ از سروده‌های ناب توست/ این مجله خوب و ماندنی/ برگ برگ این مجله را/ هر که عاشقانه خوانده است/ در کنار تو نشسته است/ تا همیشه با تو مانده است/ برگ اشتراک داده‌ای/ آمدم که مشترک شوم/ توی صفحه نیایشش/ پر ز رقص شاپرک شوم. (و خدایی که در این نزدیکی است، ص ۱۷)

در شعرفوق که شاعر سعی کرده با زندگی امروز کودک ارتباط برقرار کند، بجز رقص شاپرک هیچ بخش دیگر آن برای کودک معنی و مفهوم ندارد. حتی اگر مفاهیم نهفته در این شعر را به اجبار به یک کودک شهری تلقین کنیم، مطمئناً کودک روستایی بجز مجله‌ای ناخوانا چیزی دستگیرش نخواهد شد. اگرچه بعنوان شعر بزرگسال تامل برانگیز و مثبت ارزیابی میشود. همچنین در این شعر، طول مصرعها و وزن شعر متناسب با درک و دریافت کودک است.

ب- بررسی و نقد سوگ سروده های مذهبی و اشعار عاشورایی کودک

تعدادی از اشعار هم در سوگ و ماتم ائمه سروده شده اند. در شهادت همه ائمه اطهار و فرزندان پاک رسول الله (ص) شعر سروده شده است: از جمله شعر زیر که در عزای کسی که هیچکس چون او نیست بیان گردیده (امام علی ع):

تمام کوفه غمگین است/ هوای چشمها ابری ست/ یتیمان چشم در راهند/ کسی در کوچه پیدا نیست/ هوای چشمها ابریست/ تمام شهر غمگین است/ غم تنهایی مردم/ برای کوفه سنگین

است/ کسی با گریه میگوید: «چرا آخر نمیآید/ بگو، مادر! کجا رفته؟» پدر دیگر نمیآید/ یتیمی کنج تاریکی/ نشسته اشک میریزد/ علی خوابیده در بستر/ و دیگر بر نمیخیزد. (آواز پوپک، ص ۱۳)
از جمله موضوعات حماسی در دهه‌های اخیر که با استقبال شاعران رو برو شده، «عاشورا» است با هم یک نمونه را بررسی میکنیم:

پس چرا سرد و خاموش هستی؟! ای فرات! ای همیشه خروشان! / خسته و تشنه کامند گلها/ باغ را باز آبی بنوشان/ پشت نیزاری از نیزه و تیغ/ آنطرف، دشمنان بشمارند/ اینطرف، در دل آتش و دود/ کودکان تشنه در انتظارند/ پای آن نخلهای پریشان/ اینک افتاده از پا علمدار/ زود برخیز و دستی برآور/ مشکی از موج بر دوش بگذار/ آب! ای آب! ای آبی پاک! / سوی لب تشنگان زود بشتاب! / سوخت از تشنگی جان آنها/ زود بشتاب! بشتاب! ای آب! (بازبا باران، صص ۴۵-۴۶)
در شعر فوق، هم وزن و هم انتخاب مضمون شایسته و قابل تامل است و از آرایه‌ها در حد فهم کودک استفاده شده و بجای کلی گویی، یک نمای کوچک ولی تاثیرگذار از حماسه کربلا را که برای کودکان و حتی نوجوانان قابل لمس است به نمایش گذاشته است. جاندار پنداری و ارتباط با اشیای بیجان، از موضوعات مورد علاقه کودکان است. ضمن اینکه کل شعر کوتاه است و بخاطر سپاری آن نیز آسان است؛ همچنین شعر هم ارتباط عمودی و هم پیوند افقی را رعایت نموده است بطوریکه هر بیت از آن به تنهایی دارای معنایی مستقل است.

ج- بررسی و نقد شعر انتظار کودک

با دستی از شکوفه/ در انتظار هستم/ روزی که او بیاید/ گویی بهار هستم / با دستی از شکوفه / از راه خواهد آمد/ در لحظه‌ای پُر از گل/ ناگاه خواهد آمد/ خورشید شاید آفتاب/ از غرب در بیاید/ یا شاید عمر خورشید/ آفتاب سر بیاید/ بوی گل و هوا را/ آفتاب میتوان دید/ آن روز میتوان باز/ با جویبار خندید/ پروانه‌ها در آفتاب/ خواهند خواند آواز/ لبهای غنچه آفتاب/ با خنده میشود باز/ آفتاب، آخرین روز/ از عمر انتظار است/ پایان فصل سردی/ آغاز نوبهار است. (آواز پوپک، شاهد، ص ۱۴)
شعر فوق به نحوی ساده و روان آمدن حضرت مهدی (عج) را شرح میدهد. وزن درونی و بیرونی و فضا سازی متناسب است. پیام بروشنی رسانده شده، هیجان برانگیز و نشاط آور است. جملات کوتاه و هم در محور عمودی و هم افقی سازگار هستند. تنها اشکالی که میتوان بیان کرد، به پایان رسیدن عمر خورشید است که در تخیل کودکانه اثری منفی بجا میگذارد.

د- بررسی و نقد شعر کودک درباره بقاع متبرکه

اعتقادات مذهبی از کودکی در جسم و روح ما ریشه میدواند و بسیاری از اوان کودکی شاهد این اعتقادات و ارادتها هستیم. برای نمونه امامزاده و اماکن مقدس که گاهی به آنها توسل میجوئیم. شاعران نیز این مسئله را در شعر خود منعکس میکنند؛ نمونه آن را در شعر «گره آرزو» میبینیم:

امامزاده خلوت است/ حیاط او پر از سکوت/ کنار حوض کوچکش/ خمیده یک درخت توت/ نشسته توی صحن آن/ گدای پیر و خسته اش/ چکیده آفتاب ظهر/ به گنبد شکسته اش/ رواقهای آن پر از/ صدای بال کفتر است/ به روی سنگفرش آن/ بساط گندم و پَر است/ ضریحش از میان در/ چه خوب دیده میشود/ صدای گریه زنی/ از آن شنیده میشود/ میان صحن میخزد/ صدای های های زن/ و بوی غصه میدهد/ صدای گریه های زن/ دو دست او به آسمان/ ضریح روبروی اوست/ به پنجره گره زده/ هر آنچه آرزوی اوست. (شیشه آواز، صص ۵۸-۵۹)

چرا امامزاده خلوت است؟ چرا حیات آن را سکوتی سنگین فرا گرفته؟ چرا درختانش خمیده هستند؟ چرا جای گداهاست؟ چرا جای شیون و ضجه است و نه عبادت، چرا بجای بوی نشاط روحانی بوی غصه از امامزاده می آید؟ چکیدن آفتاب یعنی چه؟ چرا گنبد این امامزاده شکسته است؟ در جواب این پرسشهای کودک چه جوابی بدهیم؟ واژه «کفتر» چه قرابتی با اجزای دیگر شعر دارد؟ اگر این امامزاده میان درختان بود و باد میوزید و حوضی پر از ماهی و اردک در حیاط بود و مردم و کودکان دور این حوض بودند و بوی غذا میآمد و کودکی به تقلید از پدرش وضو میگرفت و وارد امامزاده‌ای میشد که دارای نقش و نگار ایرانی بود، پیام دینی بهتر ارائه نمیشد؟ اگر چه شعر پیوستگی در مضمون را رعایت کرده ولی از نظر فضا سازی معنوی بسیار ضعیف است؟ باید از خود بپرسیم که با سرودن این نوع شعرها، به کدام جنبه از شخصیت کودک می‌خواهیم بپردازیم؟ مقایسه کنید با این شعر قیصر امین پور که برای ارتحال امام گفته: در چشمت از حضور کبوترها/ هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست. (گزیده اشعار، ص ۸)

۵- بررسی و نقد شعر کودک با مضمون اندرزه‌های اخلاقی

برخی اشعار به روشنی از مضامین مذهبی و قرآنی باز نویسی و باز آفرینی شده و ترجمه و اقتباس را رعایت نموده اند. در شعر زیر شاعر عمل و عکس العمل کارهای ما در این جهان و جهان آخرت را نشان میدهد و مصداق الدنيا مزرعة الاخره را تداعی میکند.

من در کمرکش کوه/ خوشحال میدویدم/ ناگاه از دل کوه/ صدای پا شنیدم/ وقتی که ایستادم/ دیگر صدا نیامد/ همراه ناله باد/ صدای پا نیامد/ وقتی که میدویدم/ بر سنگهای انبوه/ صدای پای خود را/ من میشنیدم از کوه/ مثل صدا و کوه است/ اعمال ما و دنیا/ آید بسوی ما، باز/ هر کار زشت و زیبا. (آواز پوپک، شاهد، ص ۲۱)

وزن و حجم شعر مناسب است و حس کنجکاوای کودک را نیز پاسخ میدهد. آموزه های اخلاقی و دینی بیان شده است. و به حدیث پیامبر اسلام(ص) اشاره دارد. و مضمون کوه و صدا، استقبالی از شعر سعدی و مولوی نیز دارد.

احترام به پدر و مادر و عمل به دستورات آنها و تلاش در بدست آوردن دلشان در همه مذاهب و بالخاص در دین اسلام تاکید گردیده است. در شعر زیر به این مطلب اشاره شده است:

پدرم گفت: برو، گفتم: چشم/ مادرم گفت: بیا، گفتم: چشم/ هر چه گفتند به من، با لبخند/ گوش کردم همه را، گفتم چشم/ مادرم شاد شد از رفتارم/ خنده بر روی پدر آوردم/ با پدر مادر خود در هر حال/ تا توانستم، نیکی کردم/ پدرم گفت: تو خوبی پسر/ مادرم گفت: از او بهتر نیست/ آسمان خنده به رویم زد و گفت: پسر/ از تو خدا هم راضی است. (گل لبخند و سلام، ص ۵۱)

در جامعه امروزی خوب است که این آموزه‌ها از سنین پایین به کودکان منتقل شود. در شعر فوق، مضمون به شکلی است که ذهن کودک بطور غیر مستقیم از خوشنودی والدین به رضایت پروردگار ختم میشود. طول قطعه مناسب است. ایستهای وسط مصرع و سکوتها به غنای آهنگ کمک کرده است. تعامل افراد خانواده با کودک را نیز بیان کرده است.

قدردانی از زحمات دیگران و ارج نهادن به نعمتهای خداوند نیز از آموزه‌های اخلاقی و دینی است که برخی از شاعران به آن پرداخته اند:

هوا سنگین، هوا از خستگی پُر/ صدای همهمه، خمیازه، غرغر/ صفی از مرد و زن، از پیر و کودک/ فضا سرشار شد از بوی سنگک/ پدر پای تنور و مثل هرروز/ سر انگشتش پر از تاول، پر از سوز/ پُر از سنگ و پُر از شعله نگاهش/ تمام صورت او سرخ از آتش/ هوای وحشی و بی رحم مرداد/ پدر را باز هم آزار میداد/ پدر گرما زده، خسته، سرپا/ کلافه از صدای مشتریها/ در آن نانواپی پیر و قدیمی/ نه یک آب گوارا، نه نسیمی.../ جوانی نان گرفت و سکه ای داد/ دم در تکه ای از ناناش افتاد/ جوان اما ندید آن تکه نان را/ حواسش جای دیگر بود گویا/ بر آن نان پا نهاد و تند رد شد/ تمام زحمت بابا لگد شد... (پیاده روشلوع است، ص ۱۲)

این شعر فضا سازی خوبی دارد ضمن اینکه ذهن کودک را غیر مستقیم با یک حرفه و مشکلات آن آشنا میکند، نتیجه گیری اخلاقی خوبی نیز در انتها دارد. هر چند بطور مستقیم مسایل کودک را در بر نمیگیرد ولی بهر حال پیام و آموزشی را در بر دارد.

۲-۳ بررسی و نقد شعر انقلابی و دفاع مقدس کودک

هیچگاه شاعران مفاهیمی همچون آزادی، وطن پرستی، پایداری در برابر ظلم و استبداد، دفاع از آب و خاک و شهادت را از نظر دور نداشته اند. (سهم ادبیات پایداری در کتابهای درسی، ص ۱۲۲)

اندیشه و نگرش در اشعاری که پس از انقلاب اسلامی ایران برای کودکان سروده شده، سرشار از این مفاهیم و ارزشها هستند، گرچه گاهی با علائق شاعر ترکیب شده اند، ولی از سوی دیگر، دنیای رنگارنگ کودکان را به فضای واقعی نزدیکتر کرده اند. از روزگار سرودن حماسه ها که شعر بلند روایی است، درباره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخار آمیز در زندگی باستان یک ملت، پایداری در برابر ظلم و بیداد نمودی محسوس دارد. (تاریخ ادبیات کودکان ایران، ص ۵۴)

مورد پیروزی انقلاب اسلامی مناسبتهای مختلف از روزهای مهم انقلاب در اشعار شاعران به چشم میخورد. مانند شعر انقلابی زیر که خاطره هفده شهریور را زنده میکند:

آنروز باران گلوله/ بارید بر میدان ژاله/ پَر پَر شد از صدها گلوله/ صدها گل زیبای لاله/ آنروز اشک گرم خورشید/ بر کربلای دیگری ریخت/ فریاد ما در دشت دلها/ شوق رهایی را برانگیخت/ آنروز جلاد ستمگر/ بر خون گلها خنده سر داد/ اما به زودی خون گلها/ کاخ ستم را داد بر باد. (سیب و پرنده، ص ۲۱)

شعر فوق کوتاه و مختصر، یک واقعه سیاسی و تاریخی را آموزش داده است. وزن و قافیه متناسب است. از مسائل عاطفی صحبت شده و کنجکاو نوجوان را در این رویداد حماسی پاسخ میدهد. با من بیا نترس/ من یک جنوبیم/ در فکر خوبیم/ با من بجز حماسه نگو/ از من بجز تفنگ نخواه/ زیرا معلمم/ فرمانده منست/ سنگر کلاس ماست/ ما با گچ فشنگ/ همواره بیدرنگ نوشتیم/ پیروز میشویم/ تخته سیاه ما/ قلب سیاه دشمن اسلام است (از این ستاره تا آن ستاره، ص ۲۱)

شعر فوق به صورت موجز و مختصر یک پیام را برای نوجوان القاء میکند و امید را در دل نوجوانی که در سنگر مدرسه مبارزه میکند بوجود میآورد. با تشبیهات ساده و عمیق و وزنی که مناسب این نوع شعر حماسی است:

باز هم اول مهر آمده بود/ معلم آرام/ اسمها را میخواند: - اصغر پور حسن -/ پاسخ آمد/ حاضر - /قاسم هاشمیان/ پاسخ آمد: - حاضر -/ اکبر لیلیا زاد/... / پاسخش را کسی از جمع نداد/ بار دیگر هم خواند: / اکبر لیلیا زاد/ پاسخش را کسی از جمع نداد/ همه ساکت بودیم/ جای او اینجا بود/ اینک اما، تنها/ یک سبد لاله سرخ/ در کنار ما بود/ لحظه ای بعد، معلم سبد گل را دید/ شانه هایش لرزید/ همه ساکت بودیم/ ناگهان در دل خود زمزمه ای حس کردیم/ غنچه ای در دل ما میجوشید/ گل فریاد شکفت/ همه پاسخ دادیم: / حاضر! / ما همه اکبر لیلیا زادیم! (مثل چشمه مثل رود، صص ۲۷-۲۸)

۳ ۳ بررسی و نقد شعر پهلوانی کودک

یکی دیگر از موضوعات شعر کودک، یاد کرد نمادهای پهلوانی است که خود شامل بعضی اسطوره های ملی قدیمی و نیز نام بردن از بعضی پهلوانان امروزی میباشد. در این اشعار، علاوه بر تمجید از پهلوانان، گاه صفات و سجایای اخلاقی آنها هم یادآوری میگردد:

امروز من تنهای تنها/ توی اتاقم مانده بودم/ چون خواهرم را وقت بازی/ اینبار هم ترسانده بودم/ من توی بازی میشوم دیو/ پُر زورتر از من کسی نیست/ او میشود زندانی من/ زندان او صندوق بی بی است/ بابا کنارم آمد و گفت/ من میشوم امروز رستم/ حالا که تو یک دیو هستی/ من آمدم با تو بچنگم/ بابا مرا با یک اشاره/ توی هوا چرخاند و چرخاند/ با اینکه میخندید بابا/ قلب مرا از ترس لرزاند/ امروز فهمیدم که بابا/ مانند رستم پهلوان است/ من میشوم رستم از امروز/ زیرا شجاع و مهربان است. (مهمانی کوچک، ص ۱۸)

این شعر نمونه خوبی برای بازی کودکان است که حتی میتوان آنرا بعنوان نمونه ای از «ترانه-بازی» امروزی بحساب آورد و بطور غیر مستقیم بر پیوند خانواده و نقش پدر و مشارکت در فعالیت اجتماعی کودکان نیز اشاره دارد. خندیدن بابا حین حرکات نمادین، بار روانی خوبی به کودک القا میکند و فضایی شاد را در کل شعر بوجود میآورد که با خواندن آن خنده بر لب خواننده نیز نقش میبندد. از نکات مثبت دیگر میتوان به این مؤلفه ها اشاره نمود: تغییر زاویه دید کودک از دیو به سمت رستم شدن. تغییر رفتار بجای آزار دیگران، به سمت یاری رساندن. مبارزه با این خرافه که دیو موجودی توانمند است. بیان شجاعت و مهربانی با رفتار مثبت.

۳-۴ بررسی و نقد اشعار اجتماعی کودک

الف- آسیبهای اجتماعی

مسائل اجتماعی شامل بعضی معضلات و مشکلات است که در بسیاری کشورها، از جمله کشور ما وجود داشته دارد شامل فقر خانوادگی، کارکردن کودکان، اعتیاد، طلاق و... است. این درونمایه، از جمله مواردی است که نشان دهنده شعر واقعی و نزدیک شدن شاعران به واقعیت جامعه است، البته این مضامین مناسب دنیای کودکان نیست بلکه بصورت هوشمندانه میتوان از آن در شعر نوجوانان استفاده نمود. مواردی از ایندست مضامین در دیوان پروین اعتصامی مصادیق فراوان دارد. شاعران معاصر کودک نیز به چنین مضامینی پرداخته اند. رحماندوست در این زمینه سروده است:

دیشب آمد پدر از راه، ولی / غم به دنیای دلش ریخته بود / صورتش آینه‌ای بود و در آن / اخم با غصه درآمیخته بود / نرم و آهسته به در زد تق و تق / دیر وقت آمده بود، او چه کند؟ / دست او خالی و مثل شب پیش / گره ای داشت به ابرو چه کند؟ / سعی کردم که خودم را کم و بیش / بگذارم دم در جای پدر / گل لبخند و سلام از سر مهر / ریختم زیر قدمهای پدر / سعی کردم که نگاهم نبرد / راه بر دست و دل خالی او / سعی کردم نشود چهره من / هیچ با چهره او رو در رو / در سکوتی که کم از گریه نداشت / رفت و زیر پتو آهسته خزید / کوه توفان زده پیکر او / زیر آن پاره پتو میلرزید / من و مادر به لب آه و دعا / کاش فردا سر کاری، برود / سفره اش خالی از اندوه شود / دست پر عطفه اش پر بشود. (گل لبخند و سلام، ص ۳۸)

رحماندوست در شعر فوق، اگر چه وزن و ریتم مناسبی را بکار گرفته و مضمونی در خور تامل را نیز برگزیده است، ولی حجم شعر، قدری طولانی شده. آرایه های بکار رفته، اندک است و زیادی به جزئیات پرداخته شده. در سن نوجوانی نکات اجتماعی باید تیتروار و نکته‌ای باشد و نه طولانی. در ضمن این شعر درباره نوجوان است نه برای نوجوان. حدود دو سوم از ابیات شعر فوق وصف پدر است و تنها در یک سوم بقیه نگرانی نوجوان را بنمایش گذاشته است. استفاده از اصوات «تق و تق»، شعر را به پایین تر از سطح نوجوانی رسانده. مصرعهایی که با «چه کند» ختم میشود، اصلا

ربطی به دنیای نوجوان ندارد؛ در واقع هشت مصرع اول، فقط دنیای پدر و رفتار و کردار او را به نمایش گذاشته است.

باز امروز جمعه بود و کسی / فکر نان و تلاش و کار نبود / جز من خسته هیچکس امروز / صبح تا عصر بیقرار نبود / صبح تا عصر زیر بارش برف / آجر و سنگ جا بجا کردم / گاه آب و غذا و نان بردم / گاه سیمان و سنگ آوردم / مثل خورشید عصر پاییزم / خسته و ناتوان و خواب آلود / خانه امشب در انتظار منست / کاش درخانه یک بخاری بود / کاش آماده بود در خانه / سفره کوچکی و ظرفی آش / استراحت چقدر میچسبد / بعد یکروز کار سخت و تلاش. (گل لبخند و سلام، ص ۵۲)

دستهای پینه بسته اش / بوی یونجه زار میدهد / خنده های کودکان اش / بوی نوبهار میدهد / در نگاه مهربان او / بوی خواب دیده میشود / گویی عکس او ز خستگی / توی آب دیده میشود / کودک است و مثل مردها / روی خاک کار میکنند / یونجه می‌کند درو و بعد / روی اسب بار میکنند / او به جز درو و کشت و کار / درس دیگری نخوانده است / دستهای کودکان اش / از کتاب دور مانده است... / کاش دستهای کوچکش / بوی کاغذ و کتاب داشت / او که در نگاه خسته اش / تکه ای از آفتاب داشت. (آوازپوپک، صص ۲۶-۲۷)

هر دو شعرفوق، از درونمایه، ریتم، وزن، عاطفه و پیامی مثبت و گیرا برخوردار هستند. در قطعه اول، فضا سازی ابتدای قطعه با کمترین حجم، به روشنی از عهده برآمده است. ترکیب «خورشید عصر پاییز» بسیار خوش نقش، بار معنایی خود را به خواننده منتقل میکند. هم خواننده بزرگسال و هم نوجوان این شعر را میتواند احساس کند. در شعر ابراهیمی، ابتدا فضا سازی بعد اوج و سپس نتیجه و پیام اصلی خودنمایی میکند. ترکیبات: «خنده های کودکان اش بوی نوبهار میدهد» و «در نگاه خسته اش تکه ای از آفتاب داشت»، زیبا و ملموس است. فقط ترکیب «بوی خواب» قدری نارساست. هر دو قطعه به خوبی گوشه ای از رنجها و دغدغه های دنیای کودک امروز را به تصویر کشیده اند و حتی اگر ترجمه شوند، دغدغه های کودکان و نوجوانان جهان را بیان میکنند.

به ابیات زیر از مزینانی توجه فرمایید:

باز بهار آمد و نقاش عید / روی هوا نقش پرستو کشید / مادر من سبزه به بشقاب ریخت / روی در و پنجره ها آب ریخت / مدرسه مان خسته و تعطیل شد / موسم خندیدن آجیل شد / موسم پر خوردن و دل درد ما / سبز درختان و رخ زرد ما / بوی نو و تازه یک اسکناس / مضحکه خط اتوی لباس / باز گذشت از سر ما سال سخت / باز پدر ماند و غم رخت و پخت. (کلاغ های کاغذی، ص ۲۳)

نکات منفی بکار رفته در قطعه فوق، اصلا شادی و نشاط عید را در دل کودک و یا نوجوان زنده نمیکند: خستگی مدرسه، پر خوری، مسخره کردن دیگران، غمی که نشسته بر رخ زرد ما، یادآوری سختیها و صحنه های زجر آور سال گذشته، مشکلات مالی پدر. آیا این شعر را یک کودک و نوجوان تمایل دارد حفظ کند؟! پرستو و سبزه و خانه تکانی که در ابتدا بیان شده، بلافاصله تبدیل به غم و

ماتم میشود. اصلاً پیام عاطفی این نوع شعرها چیست؟ تنها نکته مثبت آن، وزن مناسب با مضمون انتخاب شده است (البته اگر مضمون منحرف نمیشد). بیت آخر یاد آور این بیت صائب تبریزی است: بسکه بد میگردد زندگی اهل جهان / مردم از عمر چو سالی گذرد، عید کنند / زندگی هرچه باشد، همین است / این که ما سخت درگیر آنیم: / گریه تا هست پر غصه و غم / خنده تا هست ما شادمانیم / این ولی حرف یک روی سکه است / حرف این سکه تنها همین نیست / خنده، گاهی هم از روی درد است / گریه هم گاه از روی شادی است / ابرها تا نگریند، در باغ / خنده غنچه ها دل نشین نیست / غصه و شادی از یک نژادند / معنی زندگی هم جز این نیست. (بازبا باران، ص ۱۶)

شعرفوق بسادگی بخشی از احساس و عاطفه انسان را ترسیم نموده و در مورد آنها توضیح داده است. اگر چه از نظر وزن و موسیقی قدری برای سن نوجوانی سنگین و نامناسب است، ولی به هر حال پیام خود را میرساند. در مجموع برخی معیارها را همچون آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی رعایت کرده است.

ب- بررسی و نقد شعر کودک در خانواده

انگار چشمم / یک آسمان است / بابای خوبم / خورشید آن است / انگار دستم / یک آسمان است / مادر برایش مثل بهار است / انگار قلبم / دریاست، دریاست / خواهر در آن جا / یک قوی تنهاست. (تنها انار خندید، ص ۱۷)

در شعرفوق، تشبیهات ضعیف است ضمن اینکه پیام خاصی را به کودک منتقل نمیکند. در واقع کودک با شنیدن یا خواندن این شعر، تصویری منطقی از اعضای خانواده بعنوان یک کل واحد بدست نمیآورد بلکه اجزایی پراکنده را تصور میکند که شاعر تلاش کرده آنها را به همدیگر بچسباند.

بچه بودم که مادرم میگفت: / پدرت آفتاب خانه ماست؛ / دل ما روشن از محبت او / دل او خرم از ترانه ماست / حرف مادر درست بود، ولی / معنی حرف را نفهمیدم / سالها رفت و من بزرگ شدم / بر سر درس و مشق کوشیدم / معنی حرفهای سر بسته / پیش من مثل روز روشن شد / آفتاب پدر به من تابید / حرف مادر ترانه من شد / ای پدر! میستایمت امروز / چونکه تو آفتاب جان منی / راه آینده را تو میسازی / همدم خوب و مهربان منی. (بچه‌های جهان، صص ۱۲۴-۱۲۵)

شعربالا، با بار عاطفی مناسب که القا میکند، پدر و نقش او را در خانواده روشن میسازد و همچنین حس قدردانی را در کودک و نوجوان پرورش میدهد. واژه‌های: محبت، مهربانی، روشنی و خورشید که سه بار تکرار شده است، صمیمیت و امید را مکرر میسازد. وزنی ملایم و عاطفه برانگیز و گیرا دارد.

مادرم پای تنور/ صورتش گل انداخت/ مادرم نان میپخت/ شعله هم گل میساخت/ شعله گلپایش را/ در هوا تا میکاشت/ مادرم نانها را/ یک به یک برمیداشت/ صورت مادر بود/ مثل باغی پر گل/ بوی خوبی میداد/ مثل بوی سنبل/ در نگاه مادر/ آسمان پیدا بود/ آبی چشمانش/ مثل یک دریا بود.(صدای سبز، ص ۸)

در شعر فوق، شاعر خواسته با به تصویر کشیدن باغ گل و سنبل چهره ای از مادر را در ذهن کودک نقش بزند ولی این شعر با خواننده ارتباط برقرار نمیکند. مادر در هر بیت به یک مشبه به مانند شده ولی هیچیک از این تشبیهات چهره‌ای از مادر را بدست نمیدهد. ضمن اینکه در اکثر شعر شاعران امروز، چهره‌ای از زنان و مادران سده‌های گذشته و زندگی روستایی به تصویر کشیده شده است. و تعداد اشعاری که مادر را به عنوان یک کارمند یا نقش اجتماعی امروزی به تصویر بکشد اندک هستند. شاعر در اینگونه اشعار چهره ای از مادر ذهنی یا واقعی خود را برای کودک شهری امروزی توضیح میدهد. آیا کودک امروزی ما از تنور چیزی میفهمد؟ تا حالا شیوه پختن نان تنوری را دیده است؟ وقتی مربی او برایش از نان پختن و تنور بگوید چه تصویری در ذهن رسم خواهد نمود؟

شعر زیر در ادامه نوازشهای مادر است که درجوف آن زمزمه نصیحت مادرانه که راهنمای کودک است و او را در مسیر زندگی هدایت می کند دیده میشود:

مادرم شانه به مویم زد/ بوسه‌ها بر سر و رویم زد/ گفت: ای کودک من! امیدم/ نور چشمان منی، خورشیدم/ گل روی تو گل باغ منست/ رنگ چشمان تو رنگ چمن است/ حرف زیبایی و پاکیهایی/ تا تو پاکیزه دلی، زیبایی.(برقایق ابرها، ص ۱۰)

دولت آبادی، در شعر فوق، در بیان مهربانیها و عشق مادرانه موفق بوده است. شانه زدن به موها و بوسیدن را کودک درک میکند. جملات نوازشگر بعدی را اکثر کودکان شنیده‌اند و رابطه ای عاطفی با آن برقرار میکنند. ضمن اینکه اگر این شعر را مادری برای کودک بخواند، از عمق وجود خواهد خواند. از نظر وزن مناسب و روان است و تنها نکته ابهام آمیز آن، واژه «پاکیزه دلی» است که شاید بدون شرح و تفسیر دادن برای کودک فهم آن دشوار باشد.

زمانیکه برایم قصه میگفت/ دهانش بوی نان تازه میداد/ نگاهش آفتابی بود هر روز/ به من شادی بی اندازه میداد/ به روی دست او رگهای آبی/ نشانی از بهار و آسمان داشت/ همیشه دستپایش بر سر من/ بهاری از نوازش، مهر میکاشت/ صدای قل قل قلیانش از دور/ برایم بهترین آواها بود/ همیشه سرفه میکرد و برایم/ صدای سرفه‌هایش آشنا بود/ کنار جانمازش، او همیشه/ لباسش بوی عطر شاد میداد/ نمازش را همیشه ساده میخواند/ به من هم خواندنش را یاد میداد/ اگر چه بود او مادر بزرگم/ درون سینه قلب کوچکی داشت/ زمانیکه برایم قصه میگفت/ نگاهش رنگ و بوی کودکی داشت.(آواز پوپک، صص ۱۰-۱۱)

در این شعر اگر از بار منفی «قلیان» بگذریم، مفاهیمی مثل: رگهای آبی دستان او، نماز را ساده خواندن، جای تامل دارد. در مصرع: «کنار جانمازش او همیشه» به نظر میرسد ضمیر قبل از مرجع ذکر شده است. همچنین تصویری که از مادر بزرگ در ذهن کودک نقش میبندد چنین است: مادر بزرگ مهربانی که از بس قلیان میکشید همیشه سرفه میکرد ولی عجیب است که بوی دود نمیداد در ضمن نمازش را نیز یک جور خاصی میخواند. تا قبل از معرفی کردن مادر بزرگ از سوی شاعر، خواننده گمان میکند با یک پدر بزرگ طرف است!

۳-۵ بررسی و نقد شعر کودک در خصوص طبیعت

شاید یکی از اصلیتترین دستمایه‌های شعر از ابتدا تا به امروز طبیعت باشد:

برف میبارد / برف میبارد به روی خار و خارا سنگ / کوه ها خاموش / دره ها دلتنگ / راهها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ / بر نمیشد گر ز بام کلبه ها، دودی / یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمیآورد، / رد پاها گر نمیافتاد روی جاده ها لغزان، / ما چه میکردیم در کولاک دل آشفته دم سرد؟ / آنک، آنک کلبه ای روشن، / روی تپه، رو بروی من / در گشودندم / مهربانیها نمودندم زود / دانستم که دور از داستان خشم برف و سوز، / در کنار شعله آتش، / قصه میگوید برای بچه های خود عمو نوروز... (آرش کمانگیر، صص ۵۴-۵۷)

شعرفوق تقلیدی ضعیف از شعر زمستان اوستا است. زبان بکار رفته با زبان کودک و نوجوان امروزی بیگانه است: بر نمیشد، پیامیمان نمیآورد، در گشودندم، مهربانیها نمودندم. شعر هیچگونه هیجانی ایجاد نمیکند، جنبه سرگرم کنندگی آن ضعیف است. آموزه های اخلاقی یا تعلیمی ندارد. وزن آن مناسب خوانندگان گروه سنی کودک و نوجوان نیست و تصویرگری نیز ضعیف است. شعر کمی از زمان حال فاصله گرفته است.

گسترده‌گی و تنوع موضوعات و پدیده‌های طبیعت و زیبایی و دل انگیزی آن بخصوص برای کودک و نوجوان، دستمایه ایجاد اشعاری ساده و قابل فهم برای این گروه سنی شده است در بسیاری از موارد شاعر شعر را از زبان کودک سروده است. ضمن اینکه طبیعت و صحبت از آن ما را از زندگی ماشینی و خسته کننده نجات میبخشد و به روح ما طراوت و شادابی میدهد. در میان عناصر طبیعی بعضی عناصر بیش از بقیه مورد توجه قرار گرفته اند از جمله فصل بهار و زمستان در خیلی شعرها و تا حدی پاییز خود نمایی میکند. فصل بهار از میان فصلهای دیگر بسامد بیشتری دارد.

آه باران! چرا نمیباری؟ / خاک تب کرد، چشمه‌ها خشکید / دستۀ داغ دار لک لکها / بیصدا از کنار ما کوچید / در نگاه غریب گنجشکان / شاخه‌ای سبز و تازه مهمان نیست / لانه‌ها روی شاخه پژمردند / باغ دیگر ترانه باران نیست / سینه غنچه‌ها ترک خورده / ابرها! پس چرا نمیباید؟ / مثل آواز چشمه‌ها شرشر / به دل تنگ ما نمیباید / خاک، دل تنگ بوی باران است / باد، آشفته و پریشان است / سروها رو به قبله خم شده اند / باغ غرق نماز باران است. (مهمانی کوچک، ص ۱۷)

در شعر فوق، وزن با مضمون انتخاب شده هماهنگی دارد ولی پیام این قطعه معلوم نیست که آیا نماز باران را می‌خواهد آموزش دهد یا توصیف فصل زمستان را؟ شاعر در فصل زمستان انتظار دیدن شاخه های سبز را دارد! توالی زمان و مکان بهم خورده است و حامل هیچ پیامی برای کودک یا نوجوان نیست.

به ابیات زیر توجه فرمایید:

سعدی شیرین سخن / گفت: به فصل بهار / «برگ درختان سبز / با خط رخشان سبز / هر ورقش،
دفتری است معرفت کردگار» / معرفت کردگار / دیدن این عالم است / زنده بیدار باش / چشم خریدار
باش / خوب، جهان را ببین / هرچه ببینی، کم است / بر ورق سبز برگ / خط خدا را بخوان / زمزمه
آفتاب / نغمه شیرین آب / نشر دل انگیز خاک / شعر هوا را بخوان / «برگ درختان سبز / در نظر
هوشیار» / آینه رازهاست / جلوه روی خداست / «هر ورقش، دفتریست / معرفت کردگار». (شعر کودک
در ایران، صص ۱۷۸-۱۷۹)

کیانوش در این شعر، وزن، ریتم، برانگیختن حس کنجکاو کودک، آموزش، اندرز، خدا شناسی و معیارهای دیگر را رعایت نموده است. حتی به آموزه‌های ادبی و بزرگان ادبیات کشور احترام گذاشته است. تنها نکته ای که اگر رعایت میشد، این شعر را برجسته تر مینمود: یکی استفاده از کلمات «رخشان» و «نشر» است و دیگری ترکیب «چشم خریدار» است. ضمن اینکه شاعر سعی نموده با برهم زدن طول مصرعها و قرار دادن قافیه در جاهای مورد نظر ریتم قالبهای سنتی را بهم بزند و طرحی نو دراندازد. از نکات دیگر، تکرار ترکیب «معرفت کردگار» در ابتدای قطعه است که وزن موسیقایی فوق العاده ای ایجاد کرده است.

برف آمده شبانه / رو پشتبام خانه / برف آمده رو گلها / رو حوض باغچه ما / زمین سفید / هوا سرد /
بین که برف چها کرد! / رو جاده ها نشسته / رو مسجد و گلدسته / برف قاصد بهاره / زمستانها میباره /
سلام سلام سپیدی دیشب ز راه رسیدی؟ (برقایق ابرها، ص ۷۴)

شکستن کلمات و نزدیک شدن به زبان محاوره یکی از عیوب شعر کودکان است. همچنین کلیشه-
هایی مثل: گلدسته از حس نوجویی شعر کاسته است. در این شعر کودکانه علی‌رغم مضمون مناسب، یکی دو جا در وزن و آهنگ سخته ایجاد شده است.

رشته رشته، رشته، برف / پرده پرده، پرده سپید / از فراز آسمان ژرف / بر زمین کشید / دانه دانه، پوش
پوش، برف / لایه لایه، چین به چین نشست / از فراز آسمان ژرف / بر زمین نشست / تخته تخته
دستهای برف / فرشهای نقره تار و پود / از فراز آسمان ژرف / بر زمین گشود. (بچه‌های جهان، کیانوش،
ص ۶۱)

این شعر کیانوش ضمن اینکه با تکرار واژه ها آهنگی کودکانه و مهیج ایجاد نموده، ولی متاسفانه بار معنایی عمیقی ندارد. فهم کلمات «ژرف» و «فراز» برای کودک دشوار است. ضمن اینکه تشبیهات

بکاررفته دور از ذهن و فهم کودک است. چگونه می‌خواهم کودک را وادار کنیم طبیعت را بعنوان یک فرش که تنها یک رنگ - «رنگ نقره‌ای»- دارد بپذیرد؟ تصور کردن چنین فرشی در ذهن کودک چه آموزه‌ای یا حتی سرگرمی بدنبال دارد؟ تکرار مصرع «از فراز آسمان ژرف» هیچ کمکی بارتقای سطح موسیقی قطعه نکرده است؛ بعکس بعنوان نقطه ضعف قطعه محسوب میشود.

آب داشت قصه‌ای زلال/ داد قصه را به آفتاب/ آفتاب قصه را گرفت/ ابر ساخت از بخار آب/ ابر داشت قصه‌ای سیاه/ داد قصه را به دست باد/ باد، تند و پر صدا، دوید/ پیچ و تابها به ابر داد/ قصه سیاه ابر را/ در هوا شنید آذرخش/ گفت قصه را به رعد و رعد/ قصه را بلند کرد پخش/ قصه سیاه شد زلال/ آمد از هوا به سوی خاک/ در کتاب جویبارها/ شد روان دوباره روی خاک/ خاک مهربان شنید و گفت/ قصه را برای دانه‌ها/ زیر آفتاب، روی خاک/ قصه سر زد از جوانه‌ها/ بشنو از زبان برگها/ قصه زلال آب را/ با زبان دل بگو سپاس/ خاک را و آفتاب را. (بچه‌های جهان، کیانوش، صص ۱۰۶-۱۰۷)

شعرفوق با اینکه قدری طولانی شده، ولی توالی داستانوار آن کنجکاوی کودک را به دنبال خود میکشد. کیانوش در این شعر بسیاری از معیارهای لازم را رعایت نموده و بدون استفاده از آرایه‌ای پیچیده و تنها با استفاده از موسیقی تکرار واژه‌ها که بسیار ماهرانه بکار گرفته، موسیقی و آهنگی پر تحرک و شاد را ایجاد نموده است. ولی ایکاش واژه «آذرخش» را بکار نبرده بود. کیانوش در این شعر از آموزه‌های اخلاقی و دینی نیز غافل نبوده است.

کلاغها نگاهشان/ عمیق وشاعرانه است/ میان هر سکوتشان/ هزار و یک ترانه است/ به اعتقاد من کلاغ/ قدیمی وعتیقه است/ دلی که با کلاغ نیست/ چقدر بیسلیقه است/ نباید از کتاب دل/ کلاغ را قلم گرفت/ نباید این سیاه را/ حقیر و دستکم گرفت/ پرندۀ عجیبی است/ نجیب، اصیل و با وقار/ علاقه دارد او به برف/ به روی قلۀ چنار/ برای گفتن از کلاغ/ دلم میان باغهاست/ چقدر غصه‌های من به شکل این کلاغهاست. (آه پونه، ص ۲۴)

در شعر فوق شاعر ابتدا کلی تقلا کرده این سنت ادبی و اجتماعی را که در ذهن خانواده و هم کودک نسبت به کلاغ است از بین ببرد و او را اصیل و باوقار معرفی کند ولی متأسفانه در انتها کلاغ را تجسمی از غصه و اندوه میداند. هدف از این شعر این است که به کودک مهربانی با حیوانات را یاد دهیم؟ با چه استنادی شاعر نگاه کلاغ را شاعرانه میداند؟

۳-۶- بررسی و نقد «یادکرد» های کودکی

یاد کرد روزهای کودکی (=نوستالژی) نیز از جمله موضوعاتی است که در بسیاری از نوشته های شاعران بچشم میخورد:

کودکیها، آسمانی داشتم/ آسمان بیکرانی داشتم/ خانه ای در سرزمین آفتاب/ دوستان مهربانی داشتم/ هر شب از خانه، به بام کهکشانشان/ از ستاره نردبانی داشتم/ زیرسقف ساده و سبز بهار/ گرم و

روشن آشیانی داشتم/ در دلم وقتی که باران می‌گرفت/ گنبد رنگین کمانی داشتم/ کوچه تا پر میشد از آهنگ کوچ/ از پرستو کاروانی داشتم/کودکیها چون کبوتر پوزندند/ کاش از آنها نشانی داشتم.(نردبانی از ستاره، ص ۲۸)

این خاطرات مبهم و خیلی دور هیچگونه ارتباطی با زبان و دنیای کودک امروزی برقرار نمی‌کند. شاعر تنها به این دلیل که از شعر رهی معیری خوشش آمده آن را در شعرش بکار گرفته و این وزن هیچ هیجان و نشاطی در کودک و نوجوان ایجاد نمی‌کند.(یاد ایامی که در گلشن فغانی داشتم) فضای شعر یاس‌آمیز و غمگین است. این شعر بیشتر با مریبان کودک ارتباط برقرار میکند. این شعر تا حدودی وارد حیطهٔ تخیل کودک میشود ولی به ناگاه کودک در مییابد که اگر با بزرگ شدن، دوستان مهربان خود را از دست بدهیم پس بهتر که در کودکی بمانیم. همچنین ابیات شعر نه از نظر عمودی و نه افقی ارتباطی منطقی ندارد.

توصیف روستا از زبان هر یک از شاعران بگونه‌ای است. بعضی یادآور دوران کودکی خودشان و تعدادی هم تصاویر فراموش نشدنی از گردشهای آنهاست. به هر شکل شاعران در شعرهایشان روستا را زیبایی مطلق میدانند که هیچ کمی و کاستی‌ای ندارد:

ابر بود/ برف بود/ خانه بود/ حرف بود/ نقل بود/ قصه بود/ باد بود/ غصه بود/ آب بود/ کوزه بود/ گرگ بود/ زوزه بود/ خانه بود/ خواب بود/ هر چه بود/ ناب بود.(به خاطر پرنده‌ها، ابراهیمی، صص ۴۰-۴۱)

چرا در کنار همهٔ مولفه‌های بکر و ناب، غصه هم وجود داشته؟ آیا در شهر هر چه هست ناب نیست؟ آیا مردم روستا اهل خواب و تن پروری هستند؟ این ریتم با وجودیکه کوتاه است ولی به دلیل تکرار کلمهٔ «بود» یکنواخت و خسته کننده شده است.

۴ نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد یک معیار کلی برای شعر کودک و نوجوان ارائه شود. این ملاکها طبق نظر کارشناسان کودک و ادبیات به دست آمده و در آثار شاعران بسامد بالایی دارد. هر شاعری که توانسته تعداد بیشتری از این معیارها را بکار ببرد، اثرش موفقتر بوده. اکنون که در سال‌های پایانی قرن اخیر هستیم، تلاشهای زیادی در عرصهٔ شعر کودک و نوجوان صورت گرفته و امروزه بخشی مهم از ادبیات کشور را تشکیل میدهد. ولی هنوز درصد زیادی از شعرها، دربارهٔ کودک است و نه برای کودک. برخی تجربه‌های شخصی شاعر در سنوات گذشته، و برخی تخیلات کودکی است که پا به سن گذاشته است. برخی شاعران در خط تولید آثار انبوه افتاده اند و از کیفیت غافل مانده‌اند. تاریخ مصرف خیلی از آثار کوتاه است و شاید برای دهه‌های بعد مناسب نباشد.

در شعرهای عده‌ای شاعران جوانتر و متاخر خلاقیتها و نوآوری‌هایی دیده میشود که باعث جذابیت بیشتر این موضوعها شده است. بسیاری از اشعار موضوعاتی دارند که کودکان و نوجوانان بطور روز مره با آن‌ها سر و کار دارند و از واقعیت‌های ملموس نشات گرفته‌اند مانند آثار مختلف طبیعت از

جمله فصلها، برف، روستا، کار کردن و... بعضی مضامین بصورت تکراری در دوره‌های مختلف و سالهای گوناگون مورد استفاده ی بسیاری از شعرا قرار گرفته، که البته تنها رنگ و بوی آنها با توجه بزمان تفاوت دارد لازم است موضوعات متنوعتری در این راستا مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، شاعر کودک نباید تجربه‌های بزرگسالانه خود را در قالب شعر کودک بریزد.

با بررسیهای بعمل آمده معلوم میشود اکثر شاعران وزن، موسیقی و ریتم را رعایت نموده‌اند ولی اشکالات بیشتر مربوط به مضامین و اهداف و رسالت کلان ادبیات بعنوان ابزار تعلیم، آموزش و نشاط است. بطور کلی اگر بخواهیم مختصر و مفید حاصل این بررسی را بیان کنیم باید گفت: شعر کودک و نوجوان امروز از نظر کمیت پر تعداد است ولی متأسفانه هنوز راه زیادی را باید در دهه‌های بعد طی کند تا به جایگاه واقعی خود برسد.

منابع

۱. «ادبیات کودک محور»، راعی، منصوره، (۱۳۸۱) مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان، بکوشش چیستا یثربی، تهران: نشر نامیرا، صص: ۱۲۸-۱۱۷.
۲. «پیوندهای آوایی و شعر یمینی شریف»، شعبانی، اسد... (۱۳۸۶) پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۵۰، پاییز.
۳. «نگاهی به اندرزهای بهار»، نوری، علیرضا (۱۳۹۱) همایش ادبیات تعلیمی، اصفهان (دانشگاه آزاد دهاقان)، آذرماه.
۴. ادبیات کودک و نوجوان، ویژگیها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه (۱۳۷۹)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۵. ادبیات کودکان و نوجوانان، قزل ایغ، ثریا (۱۳۸۸)، تهران: سمت.
۶. ادبیات کودکان، شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۴)، تهران: اطلاعات.
۷. ادبیات کودکان و نوجوانان، رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۰)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۸. از این ستاره تا آن ستاره، هراتی، سلمان (۱۳۶۷)، تهران: حوزه هنری.
۹. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، حسین (۱۳۸۵)، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. انواع شعر فارسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، شیراز: نوید.
۱۱. آرش کمانگیر، کسرابی، سیاوش (۱۳۸۰)، تهران: کتاب نادر.
۱۲. آواز پوپک، ابراهیمی شاهد، جعفر (۱۳۷۲)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۳. آه پونه، کشاورز، ناصر (۱۳۷۶)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۱۴. بازبازارن، ملکی، بیوک، (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان.
۱۵. بچه‌های جهان، ----- (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۶. بخاطر پرنده‌ها، ----- (۱۳۸۶)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۷. برقایی ابرها، دولت آبادی، پروین (۱۳۷۷)، شیراز: راهگشا.
۱۸. بدم شعرگویم، علاءافشین (۱۳۷۶)، تهران: نشر دانش.
۱۹. پیاده‌رو شلوغ است، هاشمی، سیدسعید (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۲۰. تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، محمدهادی، قائینی، زهره (۱۳۸۰) تهران: بنیاد پژوهش تاریخ کودکان ایران.
۲۱. تنها نارخندید، مزینانی، محمد کاظم (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۲۲. درباره ادبیات کودکان، سهراب (مافی)، معصومه (۱۳۷۲)، تهران: شورای کتاب کودک.
۲۳. روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس، نظر آهاری، عرفان (۱۳۸۸)، تهران: نار و نور.
۲۴. سهم ادبیات پایداری در کتابهای درسی، حسام پور، سعید و دیگران (۱۳۸۷)، نامه پایداری، به اهتمام احمد امیری خراسانی، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.
۲۵. سیب و پرنده، ----- (۱۳۸۲)، تهران: کتاب نیستان.
۲۶. شعر کودک در ایران، کیانوش، محمود (۱۳۵۲)، تهران: نشر آگاه.
۲۷. شعر کودک از آغاز تا امروز، موسوی گرمارودی، سیدمصطفی (۱۳۸۲)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. شیشه آواز، شعبان نژاد، افسانه، (۱۳۸۲)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۲۹. صدای سبز، احمدی، حسین (۱۳۷۶)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳۰. کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی، رضی، احمد (۱۳۹۱)، دهقان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۱. کلاغهای کاغذی، ----- (۱۳۷۹)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳۲. گذری در ادبیات کودکان، میرهادی، توران (۱۳۵۷) تهران: شورای کتاب کودک.
۳۳. گزیده اشعار، ----- (۱۳۸۶)، دروازه‌ها، تهران: همشهری، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. گل لبخند و سلام، ----- (۱۳۷۹)، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳۵. مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، حکیمی، محمود، کاموسی، مهدی (۱۳۸۲)، تهران: آرون.
۳۶. مثل چشمه مثل رود امین پو، قیصر (۱۳۸۵)، تهران: سروش.
۳۷. منظومه ظهر روز دهم، ----- (۱۳۷۳)، تهران: سروش.